

اسم اللہ







آموزش زبان عراقی  
مخصوص کادرزنگی



عنوان: آموزش زبان عراقی مخصوص کادر پزشکی

تهیه کنندگان: علی حربی، آمنه ربیعی، زهرا روددهقان

سال انتشار: مهر ۱۳۹۷

صفحه آرایی: حمید فعلی

## آموزش زبان عراقی مخصوص کادر پزشکی

کانال ما در پیام رسان های بله، ایتا و تلگرام:

@health\_medical\_arbaeen

صفحه ما در اینستاگرام: health\_medical\_arbaeen

صفحه ما در آپارات:

[https://www.aparat.com/health\\_medical\\_arbaeen](https://www.aparat.com/health_medical_arbaeen)

## فهرست

بخش تخصصی زبان عربی در حوزه علوم پزشکی

- اندام‌های بدن ..... (۳)
- اشکال دارویی ..... (۳)
- علائم بیماری و برخی بیماری‌ها ..... (۴)
- نحوه مصرف داروها ..... (۵)
- مقیاس‌ها و اندازه‌ها ..... (۵)
- زمان و ساعت ..... (۵)
- اخذ شرح حال ..... (۶)
- معاینه فیزیکی ..... (۱۱)
- تجهیزات پزشکی ..... (۱۲)



## مقدمه

یکی از علما نقل می کرد که یک سال تابستان به اتفاق امام رحمت الله علیه و چند تن از روحانیان به مشهد مشرف شدیم، در مشهد برنامه مان چنین بود که بعد از ظهرها پس از کمی استراحت، به طور دسته جمعی به حرم می رفتیم و بعد از زیارت و نماز و دعا به خانه برمی گشتیم. ما می دیدیم که امام دعا را خیلی مختصر می خواندند و تنها به منزل برمی گشتند و ایوان منزل را آب و جارو می کردند، فرش پهن می کردند، سماور را روشن می کردند و چایی را آماده می کردند، و وقتی ما از حرم برمی گشتیم برایمان چای می ریختند. یک روز من از ایشان سؤال کردم این چه کاری است که شما می کنید؟ حضرت امام فرمودند: من ثواب این کار را کمتر از آن زیارت و دعا نمی دانم.

در ایام اربعین بخشی مشغول زیارتند و بخشی مشغول خدمت به زائران حضرت اباعبدالله علیه السلام، یعنی عدهای زائرند و عدهای خادم. فعالیت‌های خادمی هم در این ایام متناسب با نیازهای زائران کاملاً متنوع است و هر فرد یا گروهی متناسب با توان و تخصصی که دارید خدماتی را به زائران حضرت ارائه می‌کند. در این میان تیم‌های پزشکی نیز فراخور تامین نیاز سلامتی برای زائران حضرت آستین‌ها را بالا می‌زنند و برای ارائه خدمات پزشکی از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند.

با توجه به اینکه بخش زیادی از مراجعات تیم‌های ارائه دهنده خدمات بهداشتی- درمانی که از ایران به کشور عراق اعزام می‌شوند را زائران عرب زبان تشکیل می‌دهند و یکی از مهمترین اصول در ارائه خدمات فهم درست از نیازها و مشکلات زائران است، بر آن شدیم در کتابی بطور مختصر ضروریات تعامل و ارتباط با زائران عرب زبان را متناسب با نیازهای خادمان بخش حوزه



بهداشت و درمان مطرح نماییم. امید که بتوانیم با این کار خدمتی به خادمان و زائران حضرت اباعبدالله علیه السلام کرده باشیم.

این کتاب مرتبط با نیازهای رایج کادر پزشکی در ارتباط با زائر عرب زبان است که به دریافت خدمات درمانی نیاز پیدا کرده است. آموزش زبان عربی در این کتاب مبتنی بر زبان عربی عامیانه کشور عراق است.





## بخش تخصصی زبان عربی در حوزه علوم پزشکی

### اعضای بدن

| کلمه    | ترجمه عربی | کلمه         | ترجمه عربی                   |
|---------|------------|--------------|------------------------------|
| سر      | رأس        | پا           | رِجْلٌ                       |
| چشم     | عین        | مو           | شَعْرٌ                       |
| بینی    | حَاشِمٌ    | صورت         | وَجْهٌ                       |
| گوش     | إِذْنٌ     | ناخن         | إِصْفِرٌ                     |
| دهان    | حَلِیْگٌ   | معدده        | مِعْدَةٌ                     |
| گردن    | رُكْبَةٌ   | قلب          | كَلْبٌ                       |
| شانه    | حِیْتَفٌ   | ریه          | رَأٌ*                        |
| دست     | إید        | پوست         | جِلْدٌ                       |
| انگشتان | أصابع      | ناحیه ژنیتال | مُنْطَقَةُ التَّنَاسُلِيَّةِ |
| انگشت   | إِصْبَعٌ   | کلیه         | كِلَّةٌ                      |
| سینه    | صَدْرٌ     | حلق          | رَزْدَوْمٌ                   |
| کمر     | ظَهْرٌ     | گلو          | بَلْعَوْمٌ                   |
| شکم     | بَطْنٌ     | مثانه        | مِثَانَةٌ                    |
| زانو    | إِرْكَبٌ   | دندان        | أَسْنَانٌ                    |
| آرنج    | عَكِيسٌ    | زبان         | لِسانٌ                       |

\*ریه معمولاً به صورت جمع به کار می رود: رَأْتُنُ

### اشکال دارویی

| کلمه  | ترجمه عربی   | کلمه  | ترجمه عربی  |
|-------|--------------|-------|-------------|
| شربت  | شَرَابٌ      | پماد  | عِصَارَةٌ   |
| قطره  | قَطْرَةٌ     | کرم   | إِكْرِيمٌ   |
| قرص   | حَبَابِيَّةٌ | شیاف  | تَحْمِيلَةٌ |
| آمپول | أَبْرَةٌ     | کپسول | كَبْسُولَةٌ |



## علائم بیماری و برخی بیماری‌ها

| کلمه          | ترجمه عربی                    | کلمه            | ترجمه عربی                       |
|---------------|-------------------------------|-----------------|----------------------------------|
| درد معده      | وَجَعُ مِعْدَةٌ               | خس خس سینه      | صَدْرِي خِرْخَاشَه               |
| ترش کردن      | أُحْمَوْضَةٌ                  | تنگی نفس        | ضَيْغُ نَفْسٍ                    |
| سوزش سردل     | حَرَكَ بِالْمِعْدَةِ          | طپش قلب         | دَكَاتُ الْكَلْبِ                |
| بی اشتها      | مَا أَشْتَهِي                 | نداشتن انرژی    | ما بِيَّة حِيل (ما عندي طاقة)    |
| یوست          | قَبْضٌ                        | تلخی زبان       | لَسَانِي مُرٌ                    |
| اسهال         | إِسْهَالٌ                     | گر گرفتگی       | تَشْوِيطٌ - أَحْسُ جِسْمِي حَارٌ |
| تهوع          | لِغْبَانُ نَفْسٍ              | افت فشار خون    | هُبُوطٌ بِالضَّيْغِطِ            |
| استفراغ       | إِزْوَاعٌ                     | افزایش فشار خون | ارْتِفَاعٌ بِالضَّيْغِطِ         |
| تکرر ادرار    | تَكَرُّرٌ بِالْبَوْلِ         | بی حالی         | مَالِي خَوْلُكٌ                  |
| سوزش ادرار    | حَرَكَ (إِبْوَقْتُ) الْبَوْلِ | ناتوان          | مَيِّكْدَرُ                      |
| درد حین ادرار | وَجَعٌ (إِبْوَقْتُ) الْبَوْلِ | دیابت           | سُكَّرٌ                          |
| تب            | إِصْحُونَةٌ                   | گز گز           | يَنْمَلٌ                         |
| لرز           | رَجْفَةٌ                      | بی حسی          | تَخْدِيرٌ - جِسْمِي خَدْرَانٌ    |
| آبریزش بینی   | تَرَشُّحَاتُ الْحَشِيمِ       | ورم             | وَرَمٌ                           |
| گلو درد       | وَجَعٌ بِلَاعِيمِ             | شکستگی          | كَسْرٌ                           |
| سر درد        | وَجَعٌ رَاسٍ                  | در رفتگی        | إِلْتِوَاءٌ - فَصِيخٌ            |
| بی خوابی      | أَرْقٌ                        | ضربه            | ضَرْبَةٌ                         |
| خارش          | حَكَّةٌ                       | کمر درد         | وَجَعٌ صَهْرٌ                    |
| سوزش          | حَرَكَةَ بِالْمِعْدَةِ        | دندان درد       | وَجَعٌ أَسْنَانٌ                 |



## نحوه مصرف داروها

| کلمه       | ترجمه عربی  | کلمه      | ترجمه عربی      |
|------------|-------------|-----------|-----------------|
| بلعیدن     | بَلَعُ      | زیر زبانی | تحت اللسان      |
| جویدن      | عَلِجُ      | داخل مقعد | داخل المَقْعَدُ |
| غرغره کردن | عَرَّعَرَهُ | چکاندن    | قَطَرَهُ        |
| مالیدن     | فَرَكُ      |           |                 |

## مقیاس‌ها و اندازه‌ها

| کلمه             | ترجمه عربی           | کلمه             | ترجمه عربی       |
|------------------|----------------------|------------------|------------------|
| یک قاشق غذا خوری | قاشوگة آکلِ وَحِدَةً | قطره             | قَطْرَةٌ         |
| قاشق چایخوری     | قاشوگة چای           | دو قاشق غذا خوری | دو قاشق غذا خوری |
| لیوان            | إِغْلَاصُ            | یک عدد           | وَحِدَةً         |
| نصفه             | نُصْ                 | میلی لیتر        | میلی لِیْتَرُ    |

## زمان و ساعت

| کلمه        | ترجمه عربی                   | کلمه           | ترجمه عربی             |
|-------------|------------------------------|----------------|------------------------|
| روزانه      | یَوْمِيًّا                   | بعد از شام     | وَرَةَ العِشَا         |
| روزی دو بار | مَرَّتَيْنِ بِالیَوْمِ       | بعد از صبحانه  | وَرَةَ الرِّیوْغِ      |
| روزی سه بار | ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالیَوْمِ  | ناشتا          | عَلَى الرِّیْغِ        |
| روزی ۴ بار  | أَرْبَعَ مَرَّاتٍ بِالیَوْمِ | هفته ای یک بار | مَرَّةً بِالْأَسْبُوعِ |



## گرفتن شرح حال از بیمار

| عبارت                             | ترجمه عبارت برای مخاطب مذکر      | ترجمه عبارت برای مخاطب مؤنث       |
|-----------------------------------|----------------------------------|-----------------------------------|
| چند سالته؟                        | إشگد عُمرك؟                      | إشگد عُمُرج؟                      |
| وزنت چقدره؟                       | إشگد وزنك؟                       | إشگد وزنِج؟                       |
| مشكلت چیه؟                        | شِنوا مُشكِلتِك؟                 | شِنوا مُشكِلتِج؟                  |
| چه علائم دیگه ای داری؟            | عِنْدك عَلائِم لآخ؟              | عِنْدِج عَلائِم لآخ؟              |
| چند روز این علائم را داری؟        | چَم یوم عِنْدك هَذَا العَلائِم؟  | چَم یوم عِنْدِج هَذِهِ العَلائِم؟ |
| بیماری خاصی دارید؟<br>مثل مرض قند | عِنْدك مَرَضِ خَاص؟ مِثْل سُكَّر | عِنْدِج مَرَضِ خَاص؟ مِثْل سُكَّر |
| فشارخون داری؟                     | عِنْدك ضِعْط؟                    | عِنْدِج ضِعْط؟                    |
| چربی خون داری؟                    | عِنْدك دِهْن بَدَم؟              | عِنْدِج دِهْن بَدَم؟              |
| مشکل قلبی داری؟                   | عِنْدك مُشكِلَة قَلْبِيَّة؟      | عِنْدِج مُشكِلَة قَلْبِيَّة؟      |

## ادامه اخذ شرح حال از بیمار

| عبارت                                 | ترجمه عبارت برای مخاطب مذکر                      | ترجمه عبارت برای مخاطب مؤنث                      |
|---------------------------------------|--|--|
| قبلا جراحی کردی؟                      | گَبَل اِمسَوِی عَمَلِيَّة؟                       | گَبَل اِمسَوِی عَمَلِيَّة؟                       |
| در خانواده تون کسی این مشکل رو نداره؟ | اِبَعَائِلتُكُم أَحَد ما عِنْدَه هَی المُشكِلَة؟ | اِبَعَائِلتُكُم أَحَد ما عِنْدَه هَی المُشكِلَة؟ |
| داروی خاصی مصرف می کنی؟               | تَسْتَعْمِل دَوَا خَاص؟                          | تَسْتَعْمِلِین دَوَا خَاص؟                       |



۷

بخش تخصصی زبان عربی در حوزه علوم پزشکی

| عبارت                        | ترجمه عبارت برای مخاطب مذکر            | ترجمه عبارت برای مخاطب مؤنث           |
|------------------------------|--|---------------------------------------|
| اسم داروهای رو میدونی؟       | تُعْرِفُ إِسْمَ آدَوِيَّتِكَ؟          | تُعْرِفِينَ إِسْمَ آدَوِيَّتِي؟       |
| اسم داروهای رو بهم بگو       | كُلِّي إِسْمَ آدَوِيَّتِكَ؟            | كُولِي إِسْمَ آدَوِيَّتِي؟            |
| اشتهات چگونه؟                | شَهِيَّتُكَ إِشْلُوْنَه؟               | شَهِيَّتِي إِشْلُوْنَه؟               |
| چه علائمی داشتی؟             | شِنُوَا چَان عِنْدَكَ عَلَانِم؟        | شِنُوَا چَان عِنْدِي عَلَانِم؟        |
| درد داری؟                    | عِنْدَكَ وِجَع؟                        | عِنْدِي وِجَع؟                        |
| دردت دقیقاً کجاست؟           | بِضَبْطٍ وِن يُوَجَعُكَ؟               | بِضَبْطٍ وِن يُوَجَعُنِي؟             |
| محل درد رو بهم نشون بده      | شَوِّفْنِي مَكَانَ الْوِجَع            | شَوِّفِينِي مَكَانَ الْوِجَع          |
| دردت چگونه؟                  | وِجَعُكَ إِشْلُوْنَه؟                  | وِجَعِي إِشْلُوْنَه؟                  |
| دردت به جایی تیر نمیکشه؟     | وِجَعُكَ يُضْرِبُ إِیْمَكَان؟          | وِجَعِي يُضْرِبُ إِیْمَكَان؟          |
| دردت میگیره و ول میکنه؟      | يَلِزُ مَكَ وَجَعٍ وَيُرُوخ؟           | يَلِزُ مِج وَجَعٍ وَيُرُوخ؟           |
| دردت چقدر طول میکشه؟         | وِجَعُكَ إِشْكَدُ يَطْوُلُ؟            | وِجَعِي إِشْكَدُ يَطْوُلُ؟            |
| چی کار میکنی دردت بدتر میشه؟ | شِتْسَوِي وَجَعُكَ يَصِيرُ<br>أَسْوَأ؟ | شِتْسَوِي وَجَعِي يَصِيرُ<br>أَسْوَأ؟ |



| عبارت                        | ترجمه عبارت برای مخاطب مذکر       | ترجمه عبارت برای مخاطب مؤنث          |
|------------------------------|-----------------------------------|--------------------------------------|
| چی کار میکنی دردت بهتر میشه؟ | شَسَوِي وَجَعَكَ يَصِيرَ أَحْسَن؟ | شَسَوِيْنُ وَجَعِجْ يَصِيرُ أَحْسَن؟ |
| تب هم کردی؟                  | إِمَصَّخِن؟                       | إِمَصَّخَنَة؟                        |
| آبریزش بینی داری؟            | عِنْدَكَ رَشْح؟                   | عِنْدِجْ رَشْح؟                      |

### ادامه اخذ شرح حال از بیمار

| عبارت                     | ترجمه عبارت برای مخاطب مذکر              | ترجمه عبارت برای مخاطب مؤنث              |
|---------------------------|--|--|
| لرز کردی؟                 | عِنْدَكَ رَجْفَة؟                        | عِنْدِجْ رَجْفَة؟                        |
| گلوته درد داره؟           | بِلا عَيْمَك (بیه) يَوْجَعَك؟            | بِلا عَيْمِج (بیه) يَوْجَعِجْ؟           |
| سرفه میکنی؟               | إِنْتِجُّح؟                              | إِنْتِجِّحِيْن؟                          |
| احساس ضعف میکنی؟          | إِنْحَسُّ بَضْعُف؟                       | إِنْحَسِّينِ اِبْضَعُف؟                  |
| میتونی غذا بخوری؟         | تِجْدَر تَاكُلْ أَكِل؟                   | تِجْدَرِيْن تَاكَلِيْن أَكِل؟            |
| سوزش سر معده داری؟        | عِنْدَكَ حَرِجَة بِالْمِعْدَة؟           | عِنْدِجْ حَرِجَة بِالْمِعْدَة؟           |
| ناراحتی معده داشتی قبلاً؟ | جَبَلْ چَان عِنْدَكَ وَجَع بِالْمِعْدَة؟ | جَبَلْ چَان عِنْدِجْ وَجَع بِالْمِعْدَة؟ |



| عبارت                                 | ترجمه عبارت برای مخاطب مذکر                                 | ترجمه عبارت برای مخاطب مؤنث                                    |
|---------------------------------------|---|--|
| دردت با غذا خوردن بهتر همیشه یا بدتر؟ | مِن تَأْكُلُ أَكَلٌ وَجَعَكَ يَصِيرُ أَحْسَنُ لَوْ يَزِيدُ؟ | مِن تَأْكَلِينَ أَكَلٌ وَجَعِجٍ يَصِيرُ أَحْسَنُ لَوْ يَزِيدُ؟ |
| استفراغ کردی؟                         | إِسْتَفْرَعْتَ؟   | إِسْتَفْرَعْتِي؟   |
| تهوع داشتی؟                           | چان عِنْدَكَ لِعَبَانِ نَفْسِ؟                              | چان عِنْدِجِ لِعَبَانِ نَفْسِ؟                                 |
| یبوست داری؟                           | عِنْدَكَ قَبْضٌ؟  | عِنْدِجِ قَبْضٌ؟   |
| اسهال داری؟                           | عِنْدَكَ إِسْهَالٌ؟   | عِنْدِجِ إِسْهَالٌ؟  |
| مدفوعت چه جوریه؟ رنگش؟ قوامش؟         | مَفْعُوعُكَ إِسْلُوْنَةٌ؟ لَوْنَةٌ؟ قَوَامَةٌ؟              | مَفْعُوعِجِ إِسْلُوْنَةٌ؟ لَوْنَةٌ؟ قَوَامَةٌ؟                 |
| ادارات چه رنگیه؟                      | إِسْلُونِ لُونِ بَوْلِكْ؟                                   | إِسْلُونِ لُونِ بَوْلِجِ؟                                      |
| سوزش ادرار داری؟                      | عِنْدَكَ حَرَكَةٌ بِالْبَوْلِ؟                              | عِنْدِجِ حَرَكٌ بِالْبَوْلِ؟                                   |
| خارش داری؟                            | عِنْدَكَ حَكَّةٌ؟   | عِنْدِجِ حَكَّةٌ؟  |
| سابقه تشنج داشتی؟                     | صَايِرُ عِنْدَكَ شَمْرَةٌ؟                                  | صَايِرُ عِنْدِجِ شَمْرَةٌ؟                                     |
| زخمت رو بهم نشون بده                  | سَوْفِنِي جَرَحَكَ؟   | سَوْفِنِي جَرَحِجِ؟  |



## گرفتن شرح حال از مادر کودک

۱۰

آموزش زبان عراقی مخصوص کادر پزشکی

| عبارت                               | ترجمه عبارت برای کودک مذکر              | ترجمه عبارت برای کودک مونث              |
|-------------------------------------|---|---|
| چند وقتشه؟                          | إشْكَدْ عُمُرُه؟                        | إشْكَدْ عُمُرُه؟                        |
| چند کیلو هست؟                       | إشْكَدْ وَزْنُه؟                        | إشْكَدْ وَزْنُه؟                        |
| وزنش چقدره؟                         | إشْكَدْ وَزْنُه؟                        | إشْكَدْ وَزْنُه؟                        |
| چه علائمی داشته؟                    | شِنُوا عِنْدَه علائم؟                   | شِنُوا عِدَه علائم؟                     |
| چند روزه اینطوری شده؟               | چَم یوم هیچی صایر؟                      | چَم یوم هیچی صایرَه؟                    |
| بیماری خاصی نداره؟                  | ما عِنْدَه مَرَضٌ خاص؟                  | ما عِدَه مَرَضٌ خاص؟                    |
| فاویسم نداره؟                       | عنده حساسیه من الباگله؟                 | عِدَه حساسیه من الباگله؟                |
| خوب شیر میخوره؟                     | زین یشْرَب حَلیب؟                       | زین تیشْرَب حَلیب؟                      |
| فقط شیر خودت رو بهش میدی؟           | بَس تِنطی حَلیبچ؟                       | بَس تَطیه حَلیبچ؟                       |
| استفراغ داشته؟                      | عِنْدَه زُواع؟                          | عِدَه زُواع؟                            |
| اسهال داشته؟                        | عِنْدَ اسهال؟                           | عِدَه اسهال؟                            |
| چند بار در روز پوشکش رو عوض می کنی؟ | چَم مَرَه بِالیوم اِتْعیرین حَفَاضاتَه؟ | چَم مَرَه بِالیوم اِتْعیرین حَفَاضاتَه؟ |
| تب نکرد؟                            | مَصَحَن؟                                | مَصَحَنَت؟                              |
| تبش چقدر بود؟                       | إصْحوئْتَه إشْكَدْ؟                     | إصْحوئْتَه إشْكَدْ؟                     |





۱۱

بخش تخصصی زبان عربی در حوزه علوم پزشکی

| عبارت                     | ترجمه عبارت برای کودک مذکر                    | ترجمه عبارت برای کودک مونث                    |
|---------------------------|---|---|
| سابقه تشنج نداره؟         | صايرِ عِنْدَ شَمْرَه (تشنج)؟                  | صايرِ عِدَّة شَمْرَه (تشنج)؟                  |
| تشنج کرده بود چه جوری شد؟ | مِنْ صَاوِ عِنْدَه شَمْرَه، اِشْلُوْنَ صَاوِ؟ | مِنْ صَاوِ عِدَّة شَمْرَه، اِشْلُوْنَه صَاوِ؟ |
| بچه ات بی حال بود؟        | طِفْلُكَ چَانْ مَا عِنْدَه خُلُكْ؟            | طِفْلُجْ چَانْ مَا عِنْدَه خُلُكْ؟            |

### معاینه فیزیکی

| عبارت                         | ترجمه عبارت برای مخاطب مذکر    | ترجمه عبارت برای مخاطب مونث     |
|-------------------------------|--------------------------------|---------------------------------|
| دهانت رو باز کن               | اِفْتَحْ حَلْگِکْ              | فِتْحِ حَلْگِکْ                 |
| بگوا                          | گول آ                          | گولی آ                          |
| زبونت رو در بیار              | طَلِعِ اِلْسَانِکْ             | طَلِعِ اِلْسَانِجْ              |
| آب دهانت رو قورت بده          | اَبْلَعْ رِیْگِکْ              | اَبْلَعْ رِیْگِجْ               |
| چشمهات رو ببند                | سِدِ اِعْمِوْنِکْ              | سِدِی اِعْمِوْنِجْ              |
| بالا رو نگاه کن               | باوعِ فوگ                      | باوعی الفوگ                     |
| چپ رو نگاه کن                 | باوعِ الی الیسار (صوب الیسرة)  | باوعی الی الیسار (صوب الیسرة)   |
| راست رو نگاه کن               | باوعِ الی الیمین (صوب الیمینة) | باوعی الیمین (صوب الیمینة)      |
| پایین رو نگاه کن              | باوعِ جَوِّ                    | باوعی جَوِّ                     |
| با چشمات انگشت من رو دنبال کن | بِعْمِوْنِکْ تَابِعِ اِصْبَعِی | بِعْمِوْنِجْ تَابِعِی اِصْبَعِی |
| ببند                          | اِضْحَکْ                       | ضِحْکِی                         |



| عبارت                             | ترجمه عبارت برای مخاطب مذکر                    | ترجمه عبارت برای مخاطب مؤنث                     |
|-----------------------------------|--|---|
| اخم کن                            | عَمَسْ   | عَبَسِي   |
| دندانهایت را نشان بده             | شَوِّفْنِي اِسْنُونِكْ                         | شَوِّفِينِي اِسْنُونِجْ                         |
| دستهایت رو مثل من نگه دار         | سَوِي اَيْدِكْ مِثْلِي                         | سَوِي اَيْدِجْ مِثْلِي                          |
| این کار رو مثل من انجام بده       | سَوِي هَاي السَّغْلِهْ                         | سَوِي هَاي السَّغْلِهْ                          |
| وقتی فشار میدم، درد داشتی بهم بگو | مِن اَضْغَطْ اِذَا چَانْ عِنْدَكَ وَجَعْ گُولْ | مِن اَضْغَطْ اِذَا چَانْ عِنْدِجْ وَجَعْ گُولِي |
| این کار رو میکنم دردت بیشتر میشه؟ | اَسَوِي هَذَا الْحَرَكَةَ وَجَعَكَ يَزِيدْ     | اَسَوِي هَذِهِ الْحَرَكَةَ وَجَعَجْ يَزِيدْ     |
| راه برو، بینم                     | اِمْشِي دَاشُوفْ                               | اِمْشِي دَاشُوفْ                                |
| دستت رو بهم فشار بده              | اِضْغَطْ اَيْدِنَاكَ عَلَي لَاحْ               | اِضْغَطِي اَيْدِنَايْجْ عَلَي لَاحْ             |
| پاهات رو جمع کن داخل شکم          | جَمِّعْ رِجْلَكَ اِیْطَنَكَ                    | جَمِّعِي رِجْلِجْ اِیْطَنِيكَ                   |
| پات رو بیار بالا                  | صَعِدْ رِجْلَكَ                                | صَعِدِي رِجْلِجْ                                |

### تجهیزات پزشکی

| کلمه           | ترجمه              | کلمه            | ترجمه             |
|----------------|--------------------|-----------------|-------------------|
| ماسک           | فِنَاعْ            | دماسنج          | مِخْرَارْ         |
| دستکش          | چُفُوفْ            | سوزن            | أَبْرَةْ          |
| دستگاه قند خون | جِهَازُ السُّكَّرْ | قیچی            | مُكَّصْ           |
| دستمال         | كُلِينِسْ          | دستگاه فشار خون | جِهَازُ الضَّغْطْ |
| تیغ            | مُوسْ              | پنبه            | كُطْنْ            |
| قطره           | قَطْرَةْ           | سرم             | مَائِ مُعْذِي     |



| کلمه     | ترجمه    | کلمه       | ترجمه               |
|----------|----------|------------|---------------------|
| بتادین   | بتادین   | آنژیوکت    | کانونۀ              |
| داروخانه | صیدلیۀ   | نخ بخیه    | خَطُّ الخِیَاطَةِ   |
| باند     | باندِج   | اسکالپ وین | کانونۀ              |
| باند کشی | باندِج   | پنس        | مُلَقَطٌ            |
| دارو     | دُوا     | چوب زبان   | عَوْدَةَ اللِّسَانُ |
| پماد     | کَرِیم   | گوشی       | سِمَاعَةَ           |
| شربت     | شَرِبْتُ | قرص        | حَبَايَةَ           |